

محیط زیست ایران قربانی حکومت جمهوری اسلامی

مهرداد مهرپور محمدی

mehrdadmehrpour@yahoo.com



از جمله آسیب‌هایی که حکومت ضدانسانی و غارتگر جمهوری اسلامی ایران در دوران حاکمیت خود به کشور وارد آورده است، آسیب‌های زیست محیطی است. منابع طبیعی و محیط زیست ایران در طول این سال‌ها چنان خسارتی دیده اند که جبران برخی عوارض به زمانی بس طولانی نیاز دارد و برخی از آسیب‌ها نیز، غیر قابل جبران می‌باشند. حتی اشاره ای کوتاه به حوادث و خسارات وارده در حوزه منابع طبیعی و محیط زیست، فهرستی بسیار طولانی خواهد گشت. من در این نوشته به طور کوتاه، با ذکر مواردی، نگاهی به برخی جوانب مسایل زیست محیطی خواهم داشت که تا حدودی نمایی از شرایط و وضعیت محیط زیست ایران را نشان می‌دهد(البته قابل ذکر است که هرگونه تخریب محیط، تاثیری در پهنه

جهانی به جا می‌گذارد و آثار منفی آن محدود به یک منطقه یا یک کشور نمی‌گردد). از آن جایی که محیط زیست پیوندی مستقیم و موثر و ناگسستگی با تمامی امور جامعه دارد، تخریب آن منجر به بروز عوارض دیگری نیز می‌گردد، همان طور که در ایران سبب ایجاد اختلال در کارکرد جامعه و بروز مسایل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردیده است. شایان ذکر است که گرچه زمان وقوع برخی مسایل در محدوده زمانی سال جاری و یا نزدیک به آن است اما با توجه به این که به طور معمول روند وقوع پدیده های زیست محیطی تدریجی است، نقطه آغاز این وقایع را می‌بایست در سالیان پیشتر(در زمان حکومت جمهوری اسلامی) جستجو نمود.

دریاچه‌ها و تالاب ها

دریاچه ارومیه: در مرداد سال ۱۳۹۰ برآورد گردید که شصت(۶۰) درصد از مساحت این دریاچه شامل سه هزار کیلومتر مربع، خشک و تبدیل به شورزار شده است. در آن هنگام میزان غلظت نمک دریاچه‌ی ارومیه به بیش از ۳۶۰ گرم بر لیتر رسید و عمیق ترین نقطه دریاچه ارومیه دو متر آب داشت. اکسیژن محلول در آب دریاچه ارومیه به شدت کاهش یافت که این امر موجب شد زندگی تنها موجود زنده این تالاب(آرتمیا اورمیانا) با خطر جدی مواجه شود، به گونه ای که میزان آرتمیا در آب دریاچه ارومیه به صفر رسید. همچنین تمامی جزایر دریاچه ارومیه به هم چسبیدند. کل حجم آب موجود دریاچه ارومیه در شرایط نرمال ۳۴ میلیارد مترمکعب است که ۲۰ میلیارد مترمکعب آب دریاچه ارومیه از بین رفته است و برای جبران کم آبی به همان میزان آب نیاز است.^۱ با خشک شدن دریاچه ارومیه زندگی شش میلیون نفر در منطقه به خطر می‌افتد و ریزگردها به صورت ریزگرد نمک قسمت اعظمی از کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد و زندگی را در این نواحی نابود می‌کند. با خشک شدن دریاچه ارومیه بیش از ۱۰ میلیارد تن نمک به صورت گرد و غبار و طوفان بر سر مردم این ناحیه خواهد ریخت و این بحران تنها گریبان آذربایجان را نمی‌گیرد بلکه تمامی مناطق کشور را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد.^۲

احداث جاده میان‌گذر در دریاچه، ساخت سدهای متعدد بر رودهای تغذیه کننده دریاچه و تخریب اکوسیستم منطقه، که توسط حکومت انجام پذیرفته اند، از جمله عوامل مهم در بروز بحران خشک شدن دریاچه ارومیه می‌باشند و در عین حال حکومت نه تنها هیچ اقدامی در جهت رفع انجام نمی‌دهد بلکه تجمعات مسالمت آمیز مردم برای جلب توجه نسبت به شرایط بحرانی دریاچه و درخواست نجات دریاچه از سوی آنان را، به شدت و با خشونت سرکوب نموده است.

سایر دریاچه های کشور نیز از شرایط مناسبی برخوردار نیستند. از جمله دریاچه خزر دچار آلودگی های شدید و گسترده ای است که بر شرایط محیط و اقتصاد منطقه تاثیر منفی گذاشته است^۳ و همچنین دریاچه هامون در اثر عملکرد دستگاه های حکومتی خشکیده است و مشکلات متعددی برای مردم و منطقه به وجود آمده است.^۵

تالاب گاوخونی: تالاب گاوخونی که تنها دریاچه آب شور دائمی در فلات مرکزی کشور است و با متوسط وسعتی معادل ۴۳۰۰۰ هکتار وسعت در فاصله‌ی ۱۷۶ کیلومتری جنوب شرقی شهر اصفهان و ۱۲ کیلومتری ورزنه قرار دارد، به دلیل خشکی و کمبود آب، تا شعاع ده ها کیلومتر از تالاب، خالی از سکنه است. این تالاب با تثبیت پوشش گیاهی مانع از حرکت شن های روان به نواحی شرق استان اصفهان و از جمله شهر ورزنه می شد و نقش موثری در مهار بیابان زایی و نیز تغذیه آب های زیرزمینی، بهبود و بهسازی کیفیت آب و خاک و جلوگیری از فرسودگی و جابه جایی خاک و کنترل سیلاب، حفظ تنوع زیستی و ذخایر ژنتیکی، حفظ پایدار آبادیوم های انسانی محدوده خویش، و ... داشته است.

برخی از مهمترین عوامل تهدید کننده و تحدید کننده‌ی این تالاب؛ نوسانات ورودی آب به تالاب و عدم تخصیص حقایق طبیعی آن(ناشی از مدیریت نادرست منابع آبی در بالادست)، ورود زه‌آب اراضی کشاورزی و پساب‌های صنعتی و شهری به رودخانه زاینده‌رود و تالاب گاوخونی، تخریب پوشش گیاهی تالاب و اطراف آن در اثر پیشروی کویر و چرای بی رویه دام در منطقه، قطع یکسره بیشه زارها، تاغ زارها و درختچه های اطراف تالاب، افزایش رسوبات سطح بستر تالاب و صید و شکار بی رویه ماهی و پرندگان می باشند.^۶

متأسفانه گاوخونی تنها تالاب آسیب دیده نیست و تعداد زیادی از تالاب های ایران خشکیده اند و یا در حال خشکیدن و نابودی هستند.^۷

رودخانه‌ها

سپیدرود(سفیدرود): سپیدرود گسترده ترین حوزه آبریز شمال کشور است. طبق یک بررسی، از ۱۶۰ رودخانه مهم کشور، میزان آلودگی ۷۰ رودخانه بسیار زیاد است که رودخانه سپیدرود از جمله این رودخانه ها می باشد. رودخانه سپیدرود با تخلیه مقدار ۱۸۴۰ تن نیترات و فسفات و مقدار ۳۰۰ تن انواع حشره کش ها، از آلوده ترین رودخانه های ایران در سواحل خزر است که به تنهایی بیش از ۵ درصد بار آلودگی تخلیه شده از سموم کشاورزی را در سواحل شمال کشور، به خود اختصاص داده است. ورود سالانه مقدار یک هزار تن پساب صنعتی و خانگی و انواع زباله های مدیریت نشده روستایی و شهری به سپیدرود، این رودخانه را به زباله دانی تبدیل نموده است. افزایش آلاینده های نفتی، میکروبی و کشاورزی؛ تعادل زیستی رودخانه سپیدرود را به خطر انداخته است و این رودخانه هر روز بیشتر به نابودی نزدیک می شود. اکوسیستم طبیعی سپیدرود دچار تغییرات زیادی شده است به طوری که از یک اکوسیستم فعال به یک اکوسیستم غیرفعال تبدیل شده است. این امر افزون بر خطر نابودی کامل رودخانه و گونه های متنوع آبریان موجود در آن، اقتصاد و معیشت هزاران انسانی که در حاشیه این رودخانه زندگی می کنند را نیز به خطر انداخته است. همچنین فلزات سنگینی همچون جیوه، کروم و سرب، از جمله خطرناکترین آلوده کننده ها به شمار می روند که سال ها در محیط باقی می مانند و زندگی جانداران را به خطر می اندازند. تجمع مواد آلاینده به ویژه عناصر سنگین در بدن آبریان و مصرف آن‌ها توسط انسان، خطرات بسیار جدی به همراه دارد و باعث بروز بیماری های خطرناکی برای انسان ها می شود. با این که گزارش های کاملی از وضعیت بحرانی سپیدرود وجود دارد اما هیچ گونه اقدامی برای نجات آن به عمل نمی آید. شایان توجه است که سپیدرود از خارج استان گیلان سرچشمه می گیرد و آلودگی و تغییرات آن به هشت استان دیگر نیز ارتباط دارد.^۸

سایر رودخانه های کشور و از جمله؛ رودخانه های جاری در مازندران^۹، رود کارون^{۱۰} و زاینده رود^{۱۱} و^{۱۲} و^{۱۳} نیز دچار مشکلات شدیدی هستند.

آب های زیرزمینی

قنات ها: به دلیل خشکسالی (که همچنان ادامه دارد)، در طول ۱۲ سال (۱۳۷۷ تا ۱۳۸۹)، بیش از ۱۴۰ رشته قنات از مجموع ۵۹۹ رشته قنات گناباد خشک شده است و دیگر قنات ها نیز با کاهش ۱۰ تا ۹۰ درصدی میزان آبدی روبرو شده اند. در اغلب مناطق کشت دیم از بین رفته است. باغات میوه نشانی از شرایط پیش از تاثیر بحران خشکسالی را ندارند. به علت از بین رفتن چراگاه ها و مراتع و گرانی علوفه، دامداری نیز به روال سابق انجام نمی شود. افت تولید شیر، کاهش وزن دام ها، کاهش تولید پشم، سوءتغذیه دام ها، شیوع بیماری ها در دام ها، از جمله آثار خشکسالی بر زیر بخش دام شهرستان گناباد بوده است. تعداد دام سبک در طول ۱۲ سال به میزان ۴۵ درصد کاهش یافته است. طی سال های نخست خشکسالی، به دلیل ناتوانی دامداران در تغذیه دام ها، بسیاری از دام ها و از جمله دام های مولد روانه کشتارگاه شده است. کار به جایی رسیده است که مردم منطقه که زمانی گوسفند به کشتارگاه های مشهد، زاهدان، یزد و اصفهان می فرستادند، امروزه خود از گوشت های وارداتی و سوسیس و کالباس استفاده می کنند. دستگاه های دولتی خسارت وارد شده به بخش کشاورزی شهرستان گناباد را ۲۶۱۰ (دو هزار و ششصد و ده) میلیارد ریال برآورد نموده اند و دولت فقط ۵/۵ درصد از خسارات وارده را جبران نموده است. همچنین برآورد شده که مبلغ ۷۱۰ میلیارد ریال به بخش منابع طبیعی گناباد خسارت وارد شده است. حیات وحش و گونه های زیستی نادر گیاهی و جانوری منطقه نیز به دلیل کاهش شدید منابع آبی و غذایی، در معرض خطر و نابودی قرار دارند. مناطق حفاظت شده «هنگام» و «هلالی» در سال های اخیر خسارات جدی دیده اند. ۹۵ درصد چشمه ها و ۹۰ درصد قنات های داخل مناطق حفاظت شده گناباد از بین رفته اند. چاه های آب آشامیدنی و بهداشتی روستاهای شهرستان گناباد نیز وضعیت مناسبی ندارند و عمق چاه ها از ۱۲۰ متر به ۳۰۰ متر افزایش یافته است و کیفیت آب چاه ها نیز به شدت افت کرده است. بسیاری از روستاییان دیگر توان اداره زندگی خود را ندارند و حتی در تامین نیازهای اولیه و ساده زندگی خود در مانده اند و از کمیته امداد کمک دریافت می کنند. روستاییان زیادی به ویژه جوانان برای یافتن کار و گذران زندگی به شهرها مهاجرت نموده اند که برخی از آن ها در شهرها بیکار مانده اند و با مشکلات اجتماعی و خانوادگی متعددی دست به گریبان هستند.^{۱۴}

چشمه ها: در فروردین ۱۳۹۱، آبدی چشمه مشهور و پرآب «برم» در شهر لردگان (در استان چهارمحال و بختیاری) که دارای متوسط دبی آب ۲۴۰۰ لیتر در ثانیه بود و حتی در بحران خشکسالی و کاهش آبدی نیز دبی آب آن از ۱۶۷۰ لیتر در ثانیه کمتر نشد، متوقف شده و چشمه به اصطلاح کور گردیده است. چند مزرعه پرورش ماهی و بیش از دو هزار هکتار از زمین های کشاورزی و شالیزارهای لردگان، از آب این چشمه بهره می گرفتند. بررسی ها حکایت از دخالت عوامل انسانی در بروز این اتفاق دارد. ریزش و فروریختگی گسترده در زیر چشمه و محدوده برکه در داخل زمین، که در اثر ساخت و ساز «مصلی لردگان» صورت گرفته و سنگ چینی هایی که با صخره سنگ های بزرگ و به بهانه محدود کردن برکه (به منظور افزایش سطح آب برکه) و محوطه سازی چشمه انجام گرفت، خاکبرداری ها و برداشت شن و ماسه در حجم بسیار زیاد و به صورت بی رویه و غیراصولی از بستر رودخانه فصلی بالادست چشمه و در نتیجه نفوذ آب گل آلود رودخانه در سفره زیرزمینی چشمه؛ عوامل بروز مشکل برای چشمه بوده اند. عدم آبدی چشمه خسارت های زیادی را به مزارع پرورش ماهی پایین دست چشمه وارد نموده است.^{۱۵}

بیابان ها

به دلیل بی توجهی و بی برنامه ریزی و عملکرد سوء حکومت، مساحت بیابان های کشور در طول چند دهه اخیر افزایش داشته است. به طوری که طبق برآوردهای پایان سال ۱۳۹۰، بیابان ها حدود ۲۶ درصد از کل مساحت کشور را تشکیل می دهند. میزان سطح بیابان ها در برخی استان ها از میزان میانگین کشوری هم بالاتر است و به طور مثال در کرمان، ۳۴ درصد از کل مساحت استان را بیابان ها تشکیل می دهند.^{۱۶}

گسترش بیابان های جاجرم: جاجرم یکی از شهرستان هایی است که بخش زیادی از مساحت آن را بیابان تشکیل می دهد. به طوری که بیش از ۱۰۱ هزار و ۴۰۱ هکتار از عرصه های طبیعی این شهرستان از بیابان تشکیل می شود که حدود یک سوم عرصه های طبیعی آن به شمار می رود. بیابان های جاجرم به دلیل تاثیر عوامل اقلیمی و انسانی به طور روزافزون در حال گسترش است و این

افزایش مساحت هم بیشتر در قسمت های مرکزی و جنوبی شهرستان به چشم می خورد. با بررسی شرایط حاکم بر منطقه و روند بیابانزایی در نقاط شهری، مشخص گردیده است که شهرهای جاجرم و سنخواست به همراه ۱۲ روستای پیرامون آن ها در معرض خطر قرار دارند و جمعیتی که از این شرایط متحمل ضرر و زیان می شوند، بیش از ۸ هزار خانوار خواهند بود (برآورد سال ۱۳۹۰). راه های ارتباطی و کارخانه «آلومینا» نیز در خطر است. کمبود اعتبار برای اجرای پروژه های منابع طبیعی به ویژه تثبیت شن و بیابان زایی، تخصیص نیافتن به موقع اعتبارات به رغم اقلیم خشک منطقه و پیشروی عرصه های بیابانی و فرسایش خاک، کمبود نیروی حفاظتی و فرق بان، کمبود تجهیزات اطفای حریق، نبود خودروی مناسب و مجهز به تجهیزات اطفای حریق برای استقرار در نقاط حادثه خیز؛ از جمله مشکلات موجود در راه مقابله با بیابانزایی و تخریب عرصه های منابع طبیعی به شمار می رود. بیابان زایی یک مسئله اجتماعی هم محسوب می شود که زندگی افراد و سرنوشت مناطق تحت سکونت آنان را به خطر می اندازد. زمانی که یک منطقه به بیابان تبدیل می شود، ساکنان آن منطقه ناچارند به مناطق دیگری مهاجرت نمایند.^{۱۷}

بنا به نوشته یک کارشناس حوزه مربوط (در سال ۱۳۸۸): از زمان تصویب و پیوستن ایران به پیمان مقابله با بیابانزایی [۱۳۷۵]، ۱۳ سال می گذرد؛ حاصل این ۱۳ سال، تدوین و ارایه برنامه ای اقدام ملی مقابله با بیابان زایی و کاهش اثرات خشکسالی است. بیش از سیزده سال (سه دولت) از تصویب این معاهده در مجلس شورای اسلامی ایران می گذرد، ولی دریغ از این که حتی وعده اجرای این قانون در شعارهای انتخاباتی دولت ها یا کاندیداها مطرح شود، تا چه رسد به تدوین و اجرای برنامه ای جامع متضمن اجرای مفاد این کنوانسیون به نام برنامه اقدام ملی و یا ایجاد ساختارهای تشکیلاتی و اداری مناسب برای پیگیری آن در کشور. متأسفانه دولت ها یکی پس از دیگری آمدند و در ابتدای کار یکی دو جلسه تشکیل دادند و بعد متوجه شدند که شاید کارهای مهمتری از جمله روزمرگی دارند و لذا آن را برای آیندگان رها کردند و رفتند. کافی است بدانیم که در طول ۴ سال گذشته [۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸] کمیته اقدام ملی به ریاست وزیر جهاد کشاورزی، فقط دوبار تشکیل جلسه داده است! آن هم در باره موضوعی که بیشترین خطر برای کارمایه های طبیعی و ملی به شمار می آید.^{۱۸}

منابع طبیعی (جنگل ها)

تخریب جنگل های ناهارخوران گرگان توسط نیروهای نظامی و امنیتی: جنگل ناهارخوران در حاشیه جنوبی مرکز استان گلستان با نام ساخت موزه در خطر تخریب جدی قرار گرفته است. رییس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست شهری شورای شهر گرگان، در اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ گفته است: «متأسفانه یکی از نهادهای دولتی [سپاه پاسداران]، قصد تصرف عرصه وسیعی از پارک جنگلی و تاریخی ناهارخوران و ساخت و ساز موزه در این محوطه را دارد. در سایه سکوت ادارات و سازمان های متولی، علاوه بر واگذاری این عرصه ملی که حدود ۱۰ هکتار است که دور آن را فنس کشیده اند، چهار میلیارد تومان هم از اعتبارات استانی و ملی به این ساخت و ساز اختصاص داده اند. در حالی که مطابق مقررات موجود، ساخت و ساز در این محور طبیعی- تاریخی ممنوع است و بسیاری از کارشناسان ساخت و ساز در این مسیر گردش و طبیعی را منجر به نابودی کامل ناهارخوران می دانند. با توجه به این که این محوطه بیشتر تفریحگاه و محل استراحت اقشار ضعیف و متوسط شهری است ... ساخت و ساز و تصرف این محوطه، برای مردم قابل قبول و قابل تحمل نیست و بسیاری از مردم به شورا بابت آن اعتراض می کنند. سکوت مسوولان ذیربط همچون اداره کل منابع طبیعی استان و صدور مجوز قطع درختان ارزشمند منطقه ناهارخوران، باعث ادامه روند این تخریب شده است؛ در حالی که درختان بسیار باارزش و نادری در این محل وجود دارد که به لحاظ زیبایی و ویژگی های طبیعی در دنیا منحصر به فرد بوده و عمر بعضی از آن ها به چند صد سال می رسد و پس از قطع شدن، جایگزینی نخواهند داشت. متأسفانه تاکنون اقدامات و مخالفت های ما در این باره به جایی نرسیده و اخبار و گزارش های رسیده خبر از شروع این پروژه می دهد.»

مدیرکل منابع طبیعی گلستان در پاسخ به این سوال که چگونه ۱۰ هکتار جنگل برای ساخت موزه به یک نهاد واگذار شده گفت: «این

مقدار ۱۰ هکتار نیست و حدود شش هزار متر است که در سال ۷۳ برای دفن شهدای گمنام به بنیاد حفظ ارزش های دفاع مقدس داده شده است. آنها تمام مجوزهای لازم را در همان زمان دریافت کرده اند و حالا در حال اجرای طرح هستند.»

اما رییس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست شهری شورای اسلامی شهر گرگان درباره مساحت زمین تصرف شده گفت: «مجوز اجرای طرح در شش هزار متر داده شده اما فنس کشی در اطراف ۱۰ هکتار انجام شده است.» او در نامه ای خطاب به رییس دفتر بازرسی خامنه ای نوشت: «بیش از دو سال است که یکی از نهادهای استان گلستان حدود ۱۰ هکتار از اراضی جنگلی را در ارتفاعات و دل جنگل های طبیعی و بکر ناهارخوران گرگان به بهانه تاسیس موزه محصور کرده و بی توجه به مخالفت های مردمی، اخیراً به قطع درختان و خاکبرداری عجیب و بی سابقه در این منطقه جنگلی (نورالشهدا) جهت ساخت و ساز اقدام نموده است... شواهد حاکی از عزم این نهاد نظامی جهت ساخت و ساز گسترده یک مجموعه اختصاصی این نهاد به بهانه احداث موزه است. این مجموعه با دست اندازی و تسخیر در محدوده ای از عرصه های منابع طبیعی و ملی است که همواره مورد نظر سوجدویان و زمین خواران برای تخریب و ساخت و ساز بوده و از سوی مردم و مسئولان محلی صیانت شده است... اقدام نهاد مذکور مغایر فرمایشات و تصریح مقام معظم رهبری در ارتباط با صیانت از جنگل ها و منابع طبیعی (فرمایشات معظم له در روز درختکاری) است، این در حالی است که این نهاد مستقیماً زیر نظر مقام معظم رهبری قرار دارد و این ساخت و ساز گسترده، مخرب و بی سابقه نزد مردم شهر گرگان و منطقه، ذهنت و تبعات بسیار منفی ایجاد کرده است تا جایی که حجم عجیب خاکبرداری در دل جنگل، کارشناسان منابع طبیعی را نیز حیرت زده کرده است. در حالی که به فاصله چند دقیقه از شهر گرگان، زمین های غیرجنگلی و حتی کم بازده وجود دارد، انتخاب و اصرار بر تخریب یک عرصه کاملاً طبیعی و جنگلی و همچنین عدم پاسخگویی و تهدیدهای امنیتی در برابر سوالات مردم شایبه های زیادی را گمانه می زند. عرصه جنگل های انبوه شمال کشور یادآور کدام یک از مناطق عملیاتی دوران دفاع مقدس است؟! ...»

شایان ذکر است که استان گلستان به دلیل جاری شدن سیل طی ۱۲ سال گذشته- که به زعم غالب کارشناسان، در اثر کاهش سطح پوشش گیاهی منطقه بوده- پرحادثه ترین استان کشور نام گرفته است. کارشناسان معتقدند اگر روند تخریب ها در جنگل های گلستان و از جمله ناهارخوران گرگان همچنان ادامه داشته باشد باز هم باید شاهد جاری شدن سیل و رواناب، از دست رفتن جنگل ها، فرسایش خاک، رانش زمین و بسیاری دیگر از انواع بلایا و حوادث باشیم.^{۱۹} پیش از این هم به بهانه ساخت موزه برای بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس، به زمین های جنگلی و پارک ها تجاوز شده بود. قلع و قمع بیش از پانصد (۵۰۰) اصله درخت ۲۰ ساله در پارک جنگلی «تهلیجان» در آذرماه سال ۱۳۸۸، و نیز نوبتی پیش از آن تاریخ، از جمله تخریب های صورت گرفته در چارچوب فعالیت های بنیاد مزبور می باشد.^{۲۰} بنیادی که تحت اختیار فرماندهان سپاه پاسداران قرار دارد.^{۲۱}

منابع طبیعی از جمله عرصه های مورد تخریب و غارت در جمهوری اسلامی بوده و هست و موارد بسیار زیادی را می توان برای آن مثال آورد.^{۲۲} حفظ، حمایت و حراست از جنگل ها، مراتع، بیابان ها و حوزه های آبخیز کشور؛ از جمله وظایف سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری است.^{۲۳} که مسئولان این سازمان بدان عمل نمی کنند.

مناطق حفاظت شده

پارک ملی کلاه قاضی: سال ۱۳۹۰ کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست هیات دولت، ۸۷۰ هکتار از اراضی پناهگاه حیات وحش و پارک ملی کلاه قاضی در استان اصفهان را به وزارت راه و شهرسازی واگذار کرد تا دخل و تصرف در پارک های ملی و پناهگاه های حیات وحش به یک روال عادی تبدیل شود. وزارت مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۷۵ در حالی نقشه های طرح جامع شهر جدید بهارستان را برای تصویب در شورای عالی محیط زیست مطرح کرد که بخشی از طرح در اراضی کلاه قاضی واقع شده بود.

سازمان مسکن و شهرسازی نه تنها به اعتراضات و مخالفت های کارشناسان و دستداران محیط زیست در این خصوص اعتنایی نکرد، بلکه سند شش دانگ ۲ هزار هکتار اراضی متعلق به پارک ملی کلاه قاضی را بر خلاف نص قانون به نام خود نمود. در پی آن، مسئولان محلی محیط زیست به مراجع مختلف از جمله بازرسی و استانداری شکایت می کنند اما با وجود تاکید بر لغو این اسناد و اصلاح نقشه های طرح جامع هیچ گونه اقدامی در این زمینه صورت نگرفت؛ حتی مسئولان وزارت مسکن و شهرسازی دستور معاون اول وقت رییس جمهور (در سال ۱۳۸۴) مبنی بر لغو اسناد ثبتی را نادیده می گیرند. سپس در همان سال (۱۳۸۴) شورای عالی محیط زیست طی مصوبه ای ۱۵۲ هکتار از زمین های این پارک را به وزارت مسکن و شهرسازی واگذار می کند و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰، ۸۷۰ هکتار دیگر از اراضی پارک به مسکن و شهرسازی واگذار می شود. تاکنون مسئولان مسکن و شهرسازی موفق شده اند طی ۲ مرحله، ۱۰۲۲ هکتار از این زمین ها را با موافقت شورای عالی محیط زیست و مصوبه کمیسیون زیربنایی صنعت و محیط زیست تصاحب کنند.

در حالی زمین های کلاه قاضی به وزارت راه و شهرسازی واگذار شده که براساس ماده ۸ آیین نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، هر گونه دخل و تصرف در پارک های ملی ممنوع و غیرقانونی اعلام شده است و مرتکبین چنین تخلفاتی براساس ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی باید به یک ماه تا یک سال حبس محکوم شوند. پس از اعتراض کارشناسان و دستداران محیط زیست به این واگذاری، رییس سازمان محیط زیست اعلام کرد: وزارت راه و شهرسازی در ازای دریافت ۸۷۰ هکتار از زمین های پارک ملی کلاه قاضی، ۲۰۰۰ هکتار زمین در نقاط مختلف کشور به سازمان حفاظت محیط زیست واگذار می کند، باید از سازمان حفاظت محیط زیست پرسید آیا ۲ هزار هکتار که نه، حتی ۲۰۰ هزار هکتار از زمین های دیگر می تواند جایگزین زمین های پارک ملی کلاه قاضی، با موقعیت جغرافیایی و ویژگی های زیست محیطی خاص خود باشد؟ آیا می توان حیات وحش و گونه های گیاهی پارک ملی را به جای دیگر منتقل کرد و به آن ها گفت تا حالا در کلاه قاضی اصفهان زندگی کرده اید از این به بعد بیایید این جا زندگی کنید؟^{۲۴}

پیش از این نیز، کنار گذر شرقی و کنار گذر غربی اصفهان، بخش هایی از پارک ملی کلاه قاضی و پارک ملی قمشلو را مورد تصرف قرار داده بود.^{۲۵}

آلودگی هوا

ریزگردها: رییس سازمان حفاظت محیط زیست ایران در فروردین ۱۳۹۱ گفت: از ۳۱ استان کشور، ۲۱ استان متاثر از ریزگردها است که منشاء آن ها در کشورهای خارجی همچون عراق است.^{۲۶}

بر خلاف گفته مسئولین که تلاش می کنند منشاء ریزگردها را به تمامی، کشورهای عربی معرفی کنند، کارشناسان محیط زیست اعتقاد دارند که همه گرد و غبار و ریزگردها از کشورهای عربی وارد نمی گردد و تعداد زیادی کانون های تولید ریزگرد در داخل کشور وجود دارد که مسئولین در این باره اظهار نظر نمی کنند و حتی در باره غلظت گرد و غبار نیز آمار صحیح ارائه نمی دهند. یکی از دلایل به وجود آمدن ریزگردها، کم شدن پوشش جنگلی و خشک شدن تالاب ها و تغییرات اقلیمی در کشور است. در این میان، دستگاه های مسئول نیز بیشتر به فکر فعالیت های تبلیغاتی و هیاهوی رسانه ای جهت مثبت جلوه دادن مجموعه کاری خود هستند. از جمله در استان لرستان دستگاه های مسئول در تابستان سال ۱۳۹۰ اعلام نمودند که اعتباری برای خرید ماسک فیلتردار و توزیع رایگان آن میان مردم اختصاص یافته است اما اقدامی در جهت خرید و توزیع ماسک های مزبور انجام نشد. این در حالی است که در سال ۱۳۹۰ مردم در استان لرستان، ۷۷ روز آلوده را پشت سر گذاشتند.^{۲۷} برخی کارشناسان و فعالان زیست محیطی، بر این باورند که بخش عمده ریزگردها منشاء داخلی دارد و تالاب های خشک شده مهمترین منبع تولید گرد و غبار محسوب می شوند.^{۲۸}

گرد و خاک شدید و ذرات معلق موجود در هوا، سلامتی مردم را به خطر انداخته و می‌اندازد. ریزگردها زمینه بیماری‌های تنفسی، ریوی و آسم را در افراد بالا می‌برد و بیماران قلبی- عروقی نیز در معرض خطر تشدید بیماری خود قرار دارند.^{۲۸} گرد و غبار و آلودگی هوا باعث ناباروری زنان و عقیمی مردان می‌شود. آلودگی هوا با کاهش شدید باروری زنان و افزایش عقیمی مردان همراه است و ذرات گرد و خاک معلق در هوا، کارکرد دستگاه تناسلی و تولید مثل در زنان و مردان را مختل می‌سازد. آلودگی هوا، میزان سقط جنین و مرده زایی را چندین برابر می‌کند. پژوهش‌هایی که نتایج آن‌ها طی چندین مقاله در ژورنال‌های معتبر طب زناشویی و باروری منتشر شده نشان می‌دهند که آلودگی هوا با مختل شدن سلامت جنین، تولد نوزادان کم‌وزن، عدم رشد مناسب جنین، و نارس بودن نوزادان همراه است و تمامی این عوارض در هوای پاک بسیار کمتر رخ می‌دهند. میزان باروری زنان و مردان در اثر آلودگی هوا و پدیده گرد و غبار به نحو بسیار محسوسی کم می‌شود. تعداد اسپرم مردانی که در نواحی با هوای آلوده کار و زندگی می‌کنند به مراتب کمتر از مردانی است که از هوای پاک برخوردارند.^{۲۹}

هوای ناسالم شهرها

تهران، اهواز و کرج ۳ شهر نخست آلوده جهان: رییس انجمن آسم و آلرژی ایران- در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۱- گفت: «عفونت‌ها، استرس و اضطراب، خستگی از کار، آلودگی هوا و دود بو موجب ایجاد آلرژی و تحریک آلرژی در آدمی می‌شود و متأسفانه تهران و اهواز و کرج ۳ شهر نخست آلوده جهان هستند که همین موجب شده تا این بیماری‌ها [آسم و آلرژی] تشدید شود.»^{۳۰}

در سال ۱۳۹۰، تهران دارای ۲۱۸ روز هوای ناسالم و بسیار ناسالم بوده است.^{۳۱} برابر آمارهای سال ۱۳۹۰، میزان آلاینده بنزن در هوای تهران ۳۰ برابر حد مجاز و در محدوده پمپ بنزین‌ها ۶۰ برابر حد مجاز بوده است. منبع تولید بنزن سوخت است و کیفیت پایین سوخت و نیز اتومبیل‌ها، علت وجود بیش از اندازه بنزن در هوای شهر است. بنزن مشکلات بسیاری برای سلامت مردم ایجاد می‌کند و یک ترکیب سرطان‌زا است.^{۳۲}

آمار رسمی مرگ و میر ناشی از آلودگی هوای تهران: سخنگوی فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷ آمار رسمی مرگ و میر ناشی از آلودگی هوای تهران را از سال ۸۴ تا ۸۶ ماهانه به طور مستقیم ۱۴۰۰ نفر و سالانه ۱۶ هزار نفر اعلام کرده بود. مشاور محیط زیست در شهرداری تهران نیز در سال ۱۳۸۷ اعلام کرده بود که بر اساس آمار بهشت زهرا تنها در یک هفته با شدت گرفتن آلودگی هوای پایتخت ۱۵ درصد بر آمار مرگ بر اثر ایست قلبی افزوده شده است.^{۳۳} سازمان حفاظت محیط زیست دارای وظایفی در راستای جلوگیری از آلودگی هوا و نیز رفع آن است که بدان‌ها عمل نکرده و نمی‌نماید.^{۳۴}

آلودگی آب

محل دفن زباله‌های شهر آستارا در ۵۰۰ متری شناگاه‌های عمومی قرار دارد. روزانه مقدار ۱۰۰ (یکصد) تن زباله در مکان مزبور دفن می‌گردد و از هر تن زباله دفن شده، مقدار ۴۰۰ (چهارصد) تا ۸۰۰ (هشتصد) لیتر شیرابه سمی و خطرناک تولید می‌شود که با انتشار آلودگی‌های شدید و تهدید بهداشت عمومی، سلامت انسان و حیوانات اهلی را به شدت در معرض خطر قرار داده است.^{۳۵}

بر اساس گزارش‌ها (در سال ۱۳۸۹)، هفتاد درصد آب شرب تهران از سدهای کرج، لار، لتیان و طالقان و ۳۰ درصد از منابع آب‌های زیرزمینی در تهران و اطرافش تأمین می‌شود. طبق بررسی‌های انجام شده درصد نیترات موجود در آب‌های تهران بالاتر از حد استاندارد است و پایتخت ایران از این نظر در رتبه اول کشور قرار دارد. به ویژه آب شرب مناطق جنوب و جنوب شرقی تهران که از آب‌های زیرزمینی تأمین می‌شود، دارای درصد بالایی از نیترات بوده و سلامت مردم این مناطق را تهدید می‌کند. پس از تهران، آب

شهرهای مشهد و اراک بیشترین درصد نیترات را دارند. افزایش درصد آلاینده نیترات در آب‌ها عوارض شدیدی از نظر سلامت ایجاد می‌کند که این عوارض گاه قابل جبران نیستند.

همچنین ماده «تری هالومتان» در آب شرب تهران وجود دارد که این ماده بسیار خطرناک و سرطان‌زا است. از سویی بلافاصله بعد از ورود آب به تصفیه‌خانه‌ها، پروسه تصفیه بیولوژیکی (میکروبی‌زدایی) و فیزیکی (رفع کدروی آب و اجسام خارجی) انجام می‌گیرد. اما کاری که در این پروسه بسیار مهم است و در تصفیه‌خانه‌های تهران انجام نمی‌گیرد، تصفیه مواد محلول در آب است که شامل نمک خوراکی، گچ، آهن و عناصر سنگین می‌شود. به دلیل مشکلات سیستم فاضلاب و وجود چاه‌های جذبی در تهران، مواد شیمیایی و فلزات سنگین مانند ازت موجود در شوینده‌ها، سوخت ماشین‌آلات سبک و سنگین و پسماندهای صنعتی و... وارد سفره‌های آب زیرزمینی شده و پس از استخراج آب‌های زیرزمینی، به مصرف شهروندان می‌رسد که بسیار خطرناک است. مهمترین مشکل آلودگی آب تهران چاه‌های جذبی (چاه‌های متداول دستشویی‌خانه‌ها) است که به آلودگی سفره‌های زیرزمینی دامن می‌زنند. وقتی سطح آب‌های زیرزمینی بالا می‌آید، آب وارد چاه‌های جذبی شده و مقدار زیادی آمونیاک را به صورت ترکیب‌های مختلف با خود وارد آب می‌کند. افزایش مقدار آمونیاک و ترکیب‌های آن مانند نیتريت‌ها و نیترات‌ها، باعث بیماری‌های مختلف در بدن انسان، به ویژه کودکان می‌شود. مشکلات همچنان به شکل قبلی خود باقی است و دولت و دستگاه‌های مسوول کار خاصی در این رابطه انجام نداده‌اند. بی‌توجهی در این زمینه می‌تواند در بلندمدت بیماری‌های کشنده را افزایش داده و یک دهه آینده (دهه ۹۰) را برای شهروندان تهران به دهه‌ای پرخطر تبدیل کند.^{۳۶}

به‌رغم بیان مشکلات و آگاهی مقامات حکومت از شرایط نامناسب منابع آبی، دستگاه‌های مسوول وظایف خود را در ارتباط با منابع آبی (از جمله در خصوص جلوگیری و نیز رفع آلودگی آب‌ها) انجام نمی‌دهند.^{۳۷}

وضعیت تنوع زیستی ایران (گونه‌های گیاهی و جانوری)

وضعیت گونه‌های گیاهی: کشور ایران صاحب اقلیم‌های بسیار متنوعی است که در بروز تنوع بالای گونه‌های بسیار مؤثر بوده است. تنوع اکوسیستم‌ها نیز در کشور ایران بسیار چشمگیر بوده که هر یک تعداد متنوعی از انواع موجودات زنده را در خود جای داده‌اند. منابع مختلف تعداد گونه‌های گیاهی ایران را حدود ۸ هزار گونه (مجموع گونه‌های گیاهی همه قاره اروپا) برآورد کرده‌اند که از این تعداد گونه گیاهی، حدود ۱۹۰۰ گونه اندمیک یا بومی هستند و در هیچ‌جای دیگر نظیر آن‌ها دیده نمی‌شود. وضعیت گونه‌های گیاهی ایران به نحوی است که متأسفانه در حال حاضر حدود ۱۰۰۰ گونه گیاهی در خطر انقراض قرار دارند.^{۳۸}

وضعیت گونه‌های جانوری: به‌گفته مدیر کل دفتر تنوع زیستی و حیات وحش سازمان حفاظت محیط زیست کشور (در آذر ماه ۱۳۸۹): تنوع جانوری در ایران بیش از یک هزار و ۱۳۰ گونه است که در حال حاضر هفت درصد از این تعداد گونه جانوری، در خطر انقراض قرار دارند. ۳۰ گونه از گونه‌های حیات وحش در شمار گونه‌های در خطر انقراض هستند که پلنگ، گوزن زرد، تعدادی از خانواده سمندر، ماهی کورغار و تعدادی از خزندگان؛ از جمله گونه‌های مزبور هستند.^{۳۹}

در میان علل انقراض گونه‌ها، تخریب زیستگاه‌ها، بهره‌برداری بیش از حد منابع و افزایش آلودگی‌ها نقش بیشتری دارند.^{۳۸} مسئولین سازمان حفاظت محیط زیست نه تنها نسبت به جلوگیری از کاهش جمعیت گونه‌های در معرض خطر اقدامی به عمل نمی‌آورند بلکه با متجاوزین همکاری نیز می‌نمایند.^{۴۰}

انواع خسارات و آسیب‌های زیست محیطی از جمله گسترش سطح بیابان‌ها، کاهش سطح دریاچه‌ها و تالاب‌ها و خشک شدن آن‌ها، آلودگی هوا، آلودگی آب، نابودی زیستگاه‌های طبیعی، و... در حکومت ضدانسانی و غارتگر جمهوری اسلامی ایران رخ داده و می‌دهد. این آسیب‌ها همواره وجود داشته و تنها در طول زمان با شدت و ضعف‌هایی همراه بوده است. متأسفانه این آسیب‌ها خود عوارض

متعددی در محورهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دنبال دارند. کوچ و مهاجرت اجباری جمعیت از مناطق آسیب دیده و حاشیه نشینی در شهرهای بزرگ، یکی از پیامدها است که با تاسف مسایل دیگری چون گسترش بیکاری، فقر و سایر آسیب های اجتماعی را در پی دارد.^{۴۱}

جایگاه ایران در حفظ محیط زیست: بر اساس گزارش شاخص عملکرد محیط زیست، در سال ۲۰۱۱، ایران در میان ۱۳۲ کشور جهان، در رتبه ۱۱۴ قرار گرفت. ایران در سال ۲۰۱۰ رتبه ۷۸ جهان و در سال ۲۰۰۸ رتبه ۶۷ جهان را در اختیار داشته است.^{۴۲} تا همین جا هم گسترده‌گی و شدت تخریب محیط زیست رخ داده در دوره حکومت اسلامی به لحاظ گسترده‌گی و شدت با هیچ دوره ای از حیات کشور قابل قیاس نیست و متأسفانه همان طور که مشاهده می‌گردد، روزبه‌روز نیز بر وسعت و شدت تخریب محیط زیست در ایران افزوده می‌شود زیرا منافع دست‌اندرکاران حکومت جمهوری اسلامی چنین اقتضا می‌کند و محیط زیست قربانی سرمایه‌داری و منطق کسب سود گشته است.

از جمله وظایف اساسی سازمان حفاظت از محیط زیست، «حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی کشور و ترمیم اثرات سوء گذشته در محیط زیست»، «پیشگیری و ممانعت از تخریب و آلودگی محیط زیست»، «نظارت مستمر بر بهره‌برداری از منابع محیط زیست» و «برخورد فعال با زمینه‌های بحرانی محیط زیست شامل آلودگی‌های بیش از ظرفیت قابل تحمل محیط» است، در حالی که هیچ یک از این وظایف را انجام نمی‌دهد.^{۴۳}

همچنین اصل پنجاهم قانون اساسی حکومت جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست را وظیفه‌ی عمومی دانسته و فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن را که همراه با آلودگی و یا تخریب غیرقابل جبران محیط زیست باشد، ممنوع نموده است.^{۴۴}، اما این بر روی کاغذ است و در واقع، موادی که به عنوان قانون حفاظت از محیط زیست در جمهوری اسلامی موجود است، تنها برای آن است که وانمود شود حکومت برای این مقوله ارزش و اهمیت قایل است. در عمل چنین نیست و دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی (همچون سپاه پاسداران، وزارت راه و ترابری، وزارت نفت، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت نیرو و ...) و باندهای زمین‌خوار متشکل از عوامل حکومت، خود سردمدار تخریب منابع طبیعی و محیط زیست ایران هستند. در ذات حکومت سرمایه داری اسلامی، ملت و سرزمین و منابع و منافع ملی هیچ جایگاهی ندارند. برای سردمداران حکومت، مهم کسب سود به هر قیمت و روش است، امری که با غارت سرزمین و استثمار مردم ایران همراه بوده و هست. هم از این رو، یگانه چاره‌ی اساسی برای جلوگیری از نابودی کامل محیط زیست کشور و ایجاد تعادل در روابط انسان و محیط، سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی و استقرار حکومتی برخاسته از اراده‌ی مردم و حافظ حقوق انسان و محیط زیست او است.

منابع

۱- <http://irna.ir/NewsShow.aspx?NID=30526763>

۲- <http://ilna.ir/newsText.aspx?ID=195030>

۳ و ۴- **دریاچه خزر:** سالانه مقدار ۵۰۰ میلیون تن انواع آلودگی‌ها از طریق رودخانه‌های سه استان شمالی ایران (گلستان، مازندران و گیلان) وارد دریای خزر می‌گردد. آلودگی دریاچه خزر علاوه بر این که به صنعت ماهیگیری و ذخایر آبی این دریاچه خسارت زیادی وارد کرده است، به صنعت گردشگری مربوط به آن نیز لطمه زده است. در حال حاضر به دلیل آلودگی آب این دریاچه، گردشگران کمتر رغبت می‌کنند در آن شنا کنند.^۴ برآیند بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین آلودگی دریاچه خزر محدوده‌ی ایران ناشی از ورود پسماندها و آلاینده‌های شیمیایی است که سموم کشاورزی نقش به‌سزایی در بروز این آلودگی‌ها دارد. ورود آلاینده‌های شیمیایی و کشاورزی در رودخانه‌های منطقه در حد نگران کننده‌ای است.^۴

از جمله اقداماتی که در خصوص جلوگیری از آلودگی آب های جاری می بایست انجام می گرفت، کاهش مصرف سموم شیمیایی و توسعه بهنگام و صحیح مبارزه بیولوژیک (بر علیه آفات محصولات زراعی و باغی) بود که وجود منافع عظیم در مصرف سموم (باند های واردکننده و تولیدکننده وابسته به حکومت)، مانع از انجام چنین اقدامی شد.

۳- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query&آلودگی=۲۰%دریای۲۰%آخزر&NewsID=1169433>

۴- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query&آلودگی=۲۰%دریای۲۰%آخزر&NewsID=948536>

۵- **دریاچه هامون:** خشکیدن دریاچه هامون و خشکسالی در طول بیش از یک دهه، سبب افزایش زمان بادهای ۱۲۰ روزه سیستان به بیش از ۱۶۰ روز گردیده است و با وزش این بادهای، گرد و غبار بستر دریاچه و حرکت شن های روان از شرق، به ویژه در ماه های اواخر بهار و فصل تابستان، زندگی را برای ساکنان استان سیستان و بلوچستان و به ویژه شهرها و روستاهای منطقه سیستان و شهرستان زاهدان مشکل کرده است. استمرار پدیده خشکسالی و شرایط بحرانی دریاچه هامون در شمال سیستان و بلوچستان، غلظت ذرات معلق در هوای این استان را در برخی مواقع تا ۱۰ برابر حد استاندارد می رساند. ریزگردها و حرکت شن های روان و گردوغبار در برخی مواقع امکان تنفس را برای مردم مشکل می سازد. حرکت شن های روان نه تنها مشکلات بهداشتی برای مردم به وجود آورده بلکه موجب تخریب زمین های کشاورزی و مناطق مسکونی نیز شده است. این افزون بر خسارت اقتصادی ناشی از عدم کارکرد تالاب است که در شرایط عادی، هر یک هکتار زمین دریاچه هامون فقط در بخش های صید و صیادی، صنایع دستی و دامداری، ۱۱۰ میلیون ریال بازدهی داشته است.

<http://www.mehrnews.com/fa/newsdetail.aspx?NewsID=1349685>

۶- <http://mohammaddarvish.com/desert/archives/2458>

۷- **شانزده (۱۶) تالاب کشور در آستانه خشک شدن هستند:** یک فعال زیست محیطی و عضو هیات علمی موسسه تحقیقات جنگل و مرتع، در ابتدای اردیبهشت ۱۳۹۱، در باره وضعیت تالاب های کشور گفت: «۱۶ تالاب کشور بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد خشک شده اند. در حال حاضر، ۸ تالاب «کافتن»، «پریشان»، «ارژن»، «مهارلو»، «نیریز»، «طشک»، «بختگان» و «کم جان» در استان فارس تقریباً به طور کامل و هشت تالاب «گاوخونی»، «راصفهان»، «آلما گل»، «آجی گل»، و «آلا گل» در گلستان و «شادگان»، «هورالعظیم»، «هورالحمار» و «هورالهور» در جنوب کشور بین ۳۰ تا ۹۰ درصد خشک شده اند. مهمترین راهکار برای جلوگیری و یا رفع خشکی تالاب ها، دادن حقایق این تالاب ها از سدهای بالا دست آن ها است و بر خلاف ادعای وزارت نیرو که دادن حقایق تاثیری در احیای تالاب ها ندارد، تنها راه احیای تالاب ها است. به عنوان نمونه چندی پیش یک سوم تالاب بختگان در استان فارس که کاملاً خشک شده بود، با ارایه حقایق از سد «دروذن» در بالا دست آن، احیا شد. از جمله اثرات خشک شدن تالاب ها و دریاچه ها، ایجاد کانون های بحرانی فرسایش بادی و چشمه های تولید ریزگرد است.»

۷- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query&حیات=۲۰%حیات=۲۰%وحش&NewsID=1581472>

-۸

۸- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query&سفیدرود&NewsID=791210>

۹- **رودخانه های مازندران:** رودخانه های استان مازندران (۱۰۳ رودخانه بزرگ و کوچک) صد درصد آلوده اند و به دلیل بی توجهی و عدم نظارت دستگاه های مسئول، ۲۳ رودخانه مهم شیلاتی استان مازندران نیز آلوده شده است. به دلیل آلودگی بیش از حد رودخانه های مازندران، تکثیر طبیعی ماهیان استخوانی به حد صفر رسیده است.

۹- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query&آلودگی=۲۰%دریای۲۰%آخزر&NewsID=1169433>

۱۰- **رود کارون:** کارون تنها رودخانه ایران است که قابل کشتیرانی است و همچنین به آب های بین المللی ارتباط دارد. به گفته کارشناسان محیط زیست، این رودخانه که زمانی یکی از تمیزترین رودخانه های جهان محسوب می شد و جاذبه ویژه ای برای شهر اهواز بود امروز (سال های پایانی دهه ۱۳۸۰) به فاضلابخانه کثیفی تبدیل شده است. فاضلاب بیش از ۲۰ صنعت بزرگ و تعداد زیادی صنایع کوچک، به طور مستقیم به کارون می ریزد همچنین فاضلاب شهرهای حاشیه ای نیز به بستر رودخانه هدایت می شود. آب کارون به شدت به پساب های شیمیایی، صنعتی و انسانی، آلوده است. سدسازی های عظیم، کمبود آب و لاغر شدن رودخانه به دلیل لایروبی نشدن، از دیگر مشکلات این رودخانه مهم و اثرگذار بر زندگی طبیعت و انسان است. کارونی که هیچ گاه مهارشدنی نبود، امروز به فاجعه ای زیست محیطی تبدیل شده است که کل خوزستان را تهدید می کند.

۱۰- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query&آلودگی=۲۰%کارون&NewsID=1027243>

۱۱ و ۱۲ و ۱۳- **زاینده رود:** زاینده رود که آبادی منطقه وسیعی در مرکز کشور به آن وابسته بوده است، در سال های اخیر دچار کم آبی شدید گردیده است که منجر به خشک شدن قسمت زیادی از آن و از جمله در محدوده اصفهان گردیده است. خشکی زاینده رود برای مردم اصفهان و به ویژه کشاورزان مشکلات بزرگی ایجاد کرده است. گفته شده است که از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۸، زندگی ۵۰۰ هزار کشاورز در اصفهان با بحران مواجه شد و خانواده های آن ها با فقر دست و پنجه نرم کردند. فعالان زیست محیطی انتقال آب زاینده رود به شهرها و مناطق دوردست و نبود مدیریت صحیح آب و استفاده بی بیش از حد آب در کنار بروز خشکسالی، از علل اصلی خشکی زاینده رود می دانند. در میانه سال ۱۳۸۸ برآورد گردید که در هر ثانیه ۴۰ تا ۵۰ متر مکعب از سد زاینده رود خارج می شود اما حتی یک متر مکعب آن هم به اصفهان وارد نمی گردد.^{۱۱} آب زاینده رود دچار مشکلات کیفی نیز می باشد که از جمله دلایل بروز آن؛ ورود زهکش های کشاورزی حاوی علف کش ها، آفت کش ها و کودهای شیمیایی به رودخانه و ورود پساب های آلوده و فلزات سنگین به منابع آب سطحی و زیرزمینی می باشد.^{۱۲} شهردار اصفهان در سال ۱۳۹۰ گفت که رفع خشکی زاینده رود هفت سال زمان می برد.^{۱۳}

۱۱- <http://www.dw.de/dw/article/0,,4595535,00.html>

۱۲- <http://mohammaddarvish.com/desert/archives/2468>

۱۳- <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query=خشکی%۲۰%ازاینده%۲۰%روند&NewsID=1449597>

۱۴- <http://hamshahrionline.ir/print-114131.aspx>

۱۵- <http://www.tabiatbakhtiari.com/archives/category/%d8%a2%d8%a8-%d9%87%d8%a7%db%8c-%d8%b2%db%8c%d8%b1%d8%b2%d9%85%db%8c%d9%86%db%8c>

۱۶- <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13901210001404>

۱۷- <http://www.khorasannews.com/News.aspx?type=3&year=1390&month=8&day=8&id=1170016>

۱۸- <http://mohammaddarvish.com/desert/archives/2087>

۱۹- <http://sharghnewspaper.ir/News/91/02/10/30030.html>

۲۰- <http://hoomankhalkpour.blogfa.com/post-53.aspx>

۲۱- «بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس» در تابعیت ستاد کل نیروهای مسلح قرار دارد و از جمله اعضای هیات امنای بنیاد: رییس ستاد کل نیروهای مسلح، روسای ستاد مشترک سپاه پاسداران و ارتش، وزیر دفاع، رییس دفتر عقیدتی-سیاسی فرماندهی کل قوا، فرماندهی نیروی انتظامی و فرمانده نیروی مقاومت بسیج می باشند.

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/135494>

این بنیاد در نهایت زیر نظر خامنه ای قرار دارد و دفاتر و تشکیلات آن در مراکز سپاه پاسداران در سطح کشور مستقر است و می توان گفت فرماندهان سپاه متولی امور هستند.

۲۲- **منابع طبیعی لرستان صحنه تاخت و تاز و تخریب:** استان لرستان از لحاظ وسعت جنگلی، رتبه سوم کشور را دارا است اما متأسفانه میزان تخریب جنگل های استان بیش از ۳ درصد در سال است به طوری که سالانه بیش از ۱۲ هزار هکتار از جنگل های زاگرس تخریب می شود و این یک فاجعه برای محیط زیست لرستان است. ادارات کل منابع طبیعی و محیط زیست لرستان امکانات کافی جهت حفاظت از جنگل ها را در اختیار ندارند. نظارت در جنگل های لرستان بسیار ضعیف است. برای هر ۵ هزار هکتار جنگل باید یک جنگلبان وجود داشته باشد در حالی که در کشور و از جمله در لرستان با وجود جنگل های انبوه، برای هر ۷۰ هزار هکتار یک جنگلبان وجود دارد. شهرستان بروجرد دارای ۱۱۲ هزار هکتار منابع طبیعی است که فقط دو نفر نیروی حفاظتی در این شهرستان فعالیت دارند (بر اساس آمار ۱۳۹۰)، در حالی که این شهرستان باید ۲۲ نیروی حفاظتی داشته باشد. عبور لوله های گاز و نفت و مخابرات و برق، احداث جاده ها و بزرگراه ها، احداث کانال، آتش سوزی های عمدی، بهره برداری بیش از حد از معادن استان، چرای بی رویه و زودرس دام، تجاوز و تصرف عرصه های منابع طبیعی؛ از مهمترین عوامل نابودی جنگل ها و مراتع در استان لرستان است. ریزگردها هم از جمله عواملی است که موجب تخریب جنگل ها می شود.

<http://isna.ir/fa/news/90122203305/منابع-طبیعی-لرستان-صحنه-تاخت-و-تاز-تخریب>

۲۳- <http://www.frw.org.ir/AboutUS/HadafVaVazayef/pageid/39/language/fa-IR/Default.aspx>

۲۴-

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query=محیطه%۲۰%زیست&NewsID=1565781>

۲۵- <http://www.khorasannews.com/News.aspx?type=1&year=1390&month=7&day=26&id=1150134>

۲۶- <http://www.mehrnews.com/FA/newsdetail.aspx?NewsID=1575431>

۲۷- <http://isna.ir/fa/news/90122705727/نوروز-۹۱-با-طعم-گردو-خاک>

۲۸- <http://isna.ir/fa/news/91012307316/گردو-خاک-پی-درپی-سلامت-مردم-ایلام-را-به-خطر>

۲۹- http://www.salamatestan.com/index.php?option=com_content&view=article&id=667:1390-03-14-20-16-52&catid=26:1389-05-23-23-23-25&Itemid=28

۳۰- <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910215000382>

۳۱- <http://isna.ir/fa/news/91011401926/تهرانی-ها-سال-گذشته-۲۱۸-روز-هوای-ناسالم>

۳۲ - <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query=%۲۰بزن%NewsID=1482401>

۳۳ - <http://www.fardanews.com/fa/print/101359>

۳۴ - در باره نقش سازمان حفاظت محیط زیست در زمینه آلودگی هوای تهران، یکی از مسئولان شهرداری تهران در یک گفتگوی تلویزیونی (در ۲۴ آذر ماه ۱۳۹۰) گفت: «سازمان حفاظت محیط زیست وظایف خود را «هیبه» کرده و به همین دلیل مشکلات موجود در زمینه آلودگی هوا نیز افزایش پیدا کرده است. این سازمان که متولی محیط زیست کشور است اگر به وظایف خود خوب عمل می کرد کیفیت هوای تنفسی به این وضعیت نمی افتاد. اسباب شگفتی و تعجب است که داعیه داران حفظ محیط زیست از ادای بدیهی ترین تکالیف و انجام ساده ترین وظایف خود در برابر مردم شانه خالی می کنند.» وی که گفت وگویی تلفنی اش با برنامه ناتمام ماند، افزود: «اگر اجازه می دادند و مصاحبه ام را نیمه تمام نمی گذاشتند حرف های زیادی برای گفتن با بینندگان داشتم.»

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1484839>

۳۵ - <http://ilna.ir/newstext.aspx?ID=198938>

۳۶ - <http://www.dw.de/dw/article/0,,5708630,00.html>

۳۷ - در خصوص عدم توجه و اقدام مناسب دستگاه های دولتی نسبت به بحران آلودگی منابع آبی کشور، یک عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۲ گفت: در برنامه سوم توسعه، بر حفاظت و کنترل کیفی و کمی منابع آبی کشور تاکید شده و بر اساس این قانون دولت موظف است شبکه های کنترل کیفی آب را در رودخانه های بزرگ کشور ایجاد کند که تاکنون اقدام قابل توجهی در این زمینه انجام نشده است. اقداماتی که تاکنون برای سامان دهی رودخانه های کشور به عنوان میراث طبیعی در دستگاه های مختلف انجام شده، اغلب جنبه مطالعاتی داشته و هیچ گاه به مرحله اجرا نرسیده است زیرا اغلب این پروژه ها بدون توجه به مشکلات پیچیده زیست محیطی طراحی شده و ابعاد وسیع عوامل تاثیرگذار در حفظ اکوسیستم رودخانه ها در آن ها لحاظ نشده است. بر اساس قانون تمام سازمان هایی که به نوعی متولی و مسئول حفاظت و یا بهره برداری از منابع آبی کشور هستند باید در مورد بحران آلودگی رودخانه های بزرگ کشور پاسخگو باشند. وزارت نیرو، سازمان آب و فاضلاب استان های مربوطه، سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت جهاد کشاورزی نیز از جمله سازمان هایی هستند که به طور مستقیم با موضوع حفاظت از رودخانه های کشور در ارتباط بوده و باید در مقابل پاکسازی این منابع آبی احساس مسئولیت کنند.

<http://www.chn.ir /NSite/FullStory/?Id=89983>

۳۸ -

<http://vahsh.ir/%D8%B6%D8%B1%D9%88%D8%B1%D8%AA-%D8%AD%D9%81%D8%A7%D8%B8%D8%AA-%D8%A7%D8%B2%D8%AA%D9%86%D9%88%D8%B9-%D8%B2%DB%8C%D8%B3%D8%AA%DB%8C-%D9%88-%D8%AC%D9%86%DA%AF%D9%84%D9%87%D8%A7>

۳۹ - <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?pr=s&query=%D8%BA%D8%A7%D8%B1%20&NewsID=1207931>

۴۰ - چراغ سبز سازمان محیط زیست به عربهای شکارچی هوبره در بوشهر: سه نفر از شیوخ عرب در دی ماه ۱۳۹۰ به همراه پرنده های شکاری خود(بالابان)، وارد یکی از روستاهای اطراف بوشهر(بونه گز) شدند تا اقدام به شکار «هوبره» کنند. مقامات ارشد سازمان محیط زیست- به رغم اطلاع از حضور این افراد در منطقه و هدف آنان و این که بازهای شکاری در اختیار داشته اند که جرم محسوب می شود- سکوت اختیار نمودند و به تشکیلات مربوطه در استان بوشهر نیز دستور دادند تا کاری به کار آقایان که گفته می شد سرمایه گذار هستند نداشته باشند!

<http://jamshidi6.blogfa.com/post-591.aspx>

هوبره(آهوبره) از پرنده گانی است که به علت شکار بی رویه در خطر انقراض قرار دارد.

۴۱ - مهرپور محمدی، مهرداد. نقش حکومت جمهوری اسلامی در نابودی منابع طبیعی و محیط زیست.

http://partov.wordpress.com/2011/10/01/jomhuri_eslami_iran-nabudgar_manabe_tabie-mohitzist

۴۲ - <http://isdle.ir/news/index.php?news=7787>

۴۳ - <http://doe.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=GENERALTEXT&CategoryID=042f86ab-589e-4d39-9ba6-96c21f49cb1c&WebPartID=2a5eb71c-d432-458c-8578-0aad6918275d>

۴۴ - http://www.imj.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=583:1388-11-17-15-39-46&catid=84:1388-11-03-08--40-10&Itemid=222